

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌میسری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۱ • ۹ رمضان ۱۴۴۳ • ۱۱ آوریل ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۵۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۱۹:۵۳
اذان صبح فردا ۵:۰۹ • طلوع آفتاب ۶:۳۶

# شترت

## روزنامه

### دغدغه

## سنگ‌وارگی امرِ نو

**مهدی نوریان**، **پژوهشگر مطالعات فرهنگی**؛ وقتی نوشتن به‌عنوان مهم‌ترین لحظه حیات، ابژه مناسک‌گرایی واقع می‌شود و به مجموعه‌ای از کردارهای ارزش‌معیبن و از جنس روزمره تقلیل می‌یابد، فلسفه خود را نزد جامعه از دست می‌دهد و تصلب پیدا می‌کند، فرم بر معنا غلبه می‌یابد و رفته‌رفته بدل به دالی تهی می‌شود که عملا به هیچ‌جا ارجاع نمی‌دهد. این تصلب به‌قدری بدیهی انگاشته شده و مسلم پنداشته می‌شود که گویی نوشتن امری زمان‌مند و مکان‌مند است و در زمان و مکان خاصی روی می‌دهد. گویی سالی یک بار لباس پیشین از تن به در می‌کنیم و لباسی نو به تن می‌پوشانیم، غافل از اینکه این خُلع‌ونِپس امری همیشگی و مستمر است. این لحظه به‌نظر، خطرناک‌ترین لحظه حیات است، نه فقط حیات انسانی، بلکه حیات در معنای عام کلمه، چراکه تصلبِ نوشتن از منظر معرفت‌شناختی می‌تواند به طریق اولی به استثمار حیات طبیعی و از منظری هستی‌شناختی نیز منجر شود. خطرناک‌ترین لحظه حیات است چون سنگ‌وارگی نوشتن، اندیشیدن به امکان نوشتن را ناممکن می‌کند. از این حیث، می‌توان از جدال و نزاع نیروها بر سر معنای نوشتن سخن گفت. بدیهی به‌نظر می‌رسد که نیرویی که از تصلب مفهوم نوشتن دم می‌زند نیرویی است که از حفظ وضع موجود نفع می‌برد و بالطبع از بسط این مفهوم به همه شئون زندگی هراسان است. این نیرو در تلاش است تا معنای نوشتن را به‌شکلی تقلیل‌یافته و حداقلی تولید و بازتولید کند. سازوبرگ ایدئولوژیک دولت (با همه شاخ‌وبرگ‌هایش) بی‌شک یکی از مهم‌ترین عاملان این نیرو است. از خانواده نیز می‌توان به‌عنوان یکی دیگر از عاملان این نیرو سخن گفت. بازار نیز عامل دیگری است که به خدمت این نیرو درمی‌آید. البته این به‌خدمت‌درآمدن در قالب مبادله‌ای دوسویه رخ می‌دهد، چراکه از یک سو، تقلیل نوشتن و امر نو به‌نوعی مناسک باعث تداوم و حفظ وضعیت موجود می‌شود و از دیگریسو، تداوم و حفظ وضع موجود، به خدمت بازتولید مناسک درمی‌آید. پس چون عواملی چون دولت، خانواده و بازار از استمرار وضعیت خود نفع می‌برند و بقای خود را در حفظ وضعیت می‌بینند، در مناسکی‌کردن امر نو و مفهوم نوشتن می‌کوشند. به‌طورکلی اندیشه محافظه‌کاری از جنس این نیرو است، اما از سوی دیگر، می‌توان به نیرویی فکر کرد که نوشتن را در همه لحظات حیات طبیعی و اجتماعی جاری و ساری می‌بیند، نه‌تنها از امکان بروزها و ظهورهای نو استقبال می‌کند بلکه زمینه‌ای فراهم می‌کند تا معنای نو جدید انسانی ظاهر شوند تا شاید صورت‌بندی‌های حاصله، زندگی را کمی تحمل‌پذیرتر کند. از منظری روان‌کاوانه نیز می‌توان به این پدیده نگریست. از این منظر، مناسکی‌شدن امر نو تکراری و سواسمی است برای تشقی خاطر و تسلطی خیالی بر شرایط. حضور در مناسک امر نو به این معنا، نوعی مشارکت دسته‌جمعی در چرخاندن آسیاب فراموشی است؛ آسیابی که با برداشتن هر قدم، اثر قدم پیشین را از بین می‌برد. افتادن در این چرخه بی‌معنایی در اثر فراموش‌کردن رویداد رخ می‌دهد و بیرون‌آمدن از آن می‌تواند به مدد یک رخداد ممکن شود. پس باید یک نیروی گریز از مرکز ایجاد کرد. باید از مرکز گریخت. نه به این‌معنا که اجازه دهیم مرکز بقا یابد، بلکه به این معنا که باید رابطه مرکز-پیرامون را بر هم زد. مرکز به دنبال حفظ وضعیت است و از چرخش آسیاب فراموشی نفع می‌برد. تلاش می‌کند وضعیت موجود را تنها و بهترین وضعیت ممکن معرفی کند و آنچه را هست، بدیهی نشان دهد. باید این بادهت را زدود. جامعه‌ای که بر مبنای روابط مرکز-پیرامون شکل گرفته است و این بدهات تا اعماق خرد متخارفش رسوخ کرده است، به‌شکلی خیالی و برای حفظ بقای خویش میل به فراموشی پیدا می‌کند. لحظات تروماتیک و زخم‌هایی که دستگاه روان جمعی جامعه را آزرده است، از این نظر باید فراموش شوند. پس در پیوندی میان گفتار مسلط و سوزه‌های آن گفتار، هر نیرویی که وضع موجود را به چالش بکشد، از جمله نیرویی که به دنبال بازاندیشی امر نو است، محدود می‌شود. نباید اجازه داد که امر نو نیز به تصلب گرفتار آید. درانداختن طرحی نو و خلق روابطی جدید، تنها راهی است که برای برهم‌زدن روابط مرکز-پیرامون، و فرادست فرودست وجود دارد. به همین دلیل است که گفتار مسلط مستمرا از طریق استانداردهاسازی، به دنبال خلاقیت است. خلاقیت باید محدود شود تا رابط نو خلق نشود. حتی تصور خلق روابط نو نیز باید ناممکن باشد. به قول فردریک جیسمون، امروز در دنیای زندگی می‌کنیم که تصور پایان جهان راحت‌تر از تصور پایان سرمایه‌داری است.



**بابک زمانی**

**نورولوژیست**

در خبرها آمده بود در یک بیمارستان بزرگ هزینه وزیت پزشک شش هزار تومان اما هزینه «کافی‌نت» برای تنظیم وقت اینترنتی ۱۵ هزار تومان است. همین مثال ساده مشت‌ی است نمونه خروار، اشاره‌ای است به خطر بزرگی که سلامت و در نتیجه جامعه را تهدید می‌کند. کاهش روزافزون و باورنکردنی تعرفه خدمات پزشکی در مقایسه با نرخ تورم، به‌زودی پزشکان را به کارگران و ابزارهای سلامت تبدیل خواهد کرد. تبدیل‌شدن پزشکان به یکی از مهره‌های سیستم سلامت بدون امکان تأثیرگذاری بر شیوه‌های درمان، نتیجه اجتناب‌ناپذیر تعرفه‌هایی است که به قهقرا رفته‌اند. آن‌هم در شرایطی که توان نظارت بر کار پزشکی وجود ندارد و نظارت جامعه بر کار پزشکی محدود شده است به شکایت بیماران که یادآور قانون چشم در برابر چشم حمورایی در چند هزار سال پیش است! جوامع مدرن نیازمند ثبت دقیق تمام فعالیت‌های تخصصی و نظارت مداوم و گهگاه (زندوم) بر آنها هستند که تنها با سیستم تعرفه‌گذاری‌ای با حداقلی از عقلانیت امکان‌پذیر است. این تعرفه‌ها و این عدم نظارت قطعاً پزشکان را به شکل مهره مؤسسات خصوصی‌ای در خواهد آورد که درآمد نهایی آنها نه بر پایه وزیت و مداوا که بر پایه انجام تعداد زیادی روش‌های تشخیصی و درمانی بدون اندیکاسیون و با کیفیت پایین خواهد بود. با اقداماتی که می‌توان گفت جزء اولویت‌های سلامت نیستند. مؤسساتی که اتفاقاً هر تعرفه قانونی

### خاطره‌خوانی

## ۱۱ اعدامی

روزنامه کیهان درباره اعدام‌شدگان ۲۲ فروردین ۱۳۵۸ نوشت: «سحرگاه امروز به دنبال محاکمه گروهی از عناصر سرسپرده رژیم منغور پهلوی، ۱۱ نفر از محکومان دادگاه عدل اسلامی، در برابر جوخه اعدام گرفتند.

محاکمه عناصر حلقه‌به‌گوش رژیم منغور پهلوی که همگی از مهره‌های اصلی رژیم بودند، از صبح روز گذشته آغاز شد و تا ساعت ۱۲ شب ادامه داشت. از نخستین ساعات صبح روز گذشته چند شعبه دادگاه عدل اسلامی، با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و با حضور خبرنگاران و عکاسان کار محاکمه ۱۱ نفر از مجرمین را آغاز کردند. دادگاه پس از محاکمه، این گروه را به اتهام فساد در زمین و خیانت به ملت به اعدام محکوم کرد و ساعت دو بامداد این ۱۱ نفر پس از قرائت حکم اعدام در برابر جوخه اعدام قرار گرفتند.

به گزارش عصر ایران «این ۱۱ مقام ارشد رژیم پهلوی، شامل رئیس مجلس شورای ملی، وزیران امور خارجه و کشاورزی، دو رئیس ساواک، رئیس سازمان تربیت بدنی، شهردار تهران، رئیس دادگاه فداییان اسلام و افسران حزب توده، فرمانده گارد جاویدان و دو ساتاور، درست دو ماه پس از سقوط سلطنت در ایران حضور داشتند. یکی از آنها دکتر عبدالله ریاضی بود که به مدت ۱۴ سال در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۵۷ رئیس مجلس شورای ملی بود. دو تن دیگر از این ۱۱ نفر رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور یا ساواک بودند.

ساواک در سال ۱۳۳۵ تشکیل شد و تا ۱۳۵۷ که در دولت بختیار منحل شد، نبض سیاست و قدرت را در دست داشت و در این ۲۲ سال چهار رئیس به خود دید؛ اما هیچ‌یک از این چهار نفر به مرگ طبیعی از دنیا نرفتند. تیمور بختیار در ۲۵ مرداد ۱۳۴۹ در عراق به قتل رسید. نصیری در ۲۶ بهمن ۱۳۵۷ تیرباران شد و پاکروان و مقدم هم ۲۲ فروردین ۱۳۵۸.

غلامرضا نیک‌بکی، شهردار تهران در سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶ یکی دیگر از افراد اعدامی بود که در شعبه اول دادگاه انقلاب محاکمه شد. نیک‌بکی مانند هوبیدا در گرماگرم انقلاب و با هدف معرفی به‌عنوان عامل اعتراضات مردمی دستگیر شده بود و با پیروزی انقلاب و همچون داریوش همایون، وزیر اطلاعات و جهانگردی (اطلاعات به معنی اطلاع‌رسانی) توانست بگیریزد؛ اما پس از چندی به دست انقلابیون افتاد، حال آنکه همایون جان به در بُرد و بعد هم از کشور خارج شد.



را رعایت می‌کنند و راه گریز از شکایت بیماران را هم بلدند. بسیاری از مراکز درمانی با تعرفه‌های ناچیز، مراکز آموزشی هستند. انگیزه قوی آموزشی در میان استادان و دستیاران و آتوریته اخلاقی بسیاری از استادان تاکنون از فروپاشی کامل این مؤسسات جلوگیری کرده اما آنها هم به شکل اجتناب‌ناپذیری از طب به معنای تصمیم و توصیه به جانب هر کار عملی سوق داده شده‌اند و تعرفه‌های ناچیز -ناچیزتر از طب خصوصی- در حال برآددادن دودمان بیمارستان‌های آموزشی هم هستند. آنچه در این یادداشت می‌خواهم بر آن تأکید کنم خطر آلت فعل شدن جامعه پزشکی در چرخ‌دنده مؤسسات اقتصادی سرمایه‌دارانه (از همه انواع آن) در بخش خصوصی است. این چیزی نیست که بتوان آن را کتمان کرد یا برآمدن آن را ندید. اما چرا از بین رفتن اشراف پزشکان در سیستم سلامت خطرناک است؟ اولاً کیفیت سیستم سلامت و خوب و بد آن تنها در نظرگاه پزشکان خود را عیان می‌کند. اگر نقش محوری آرشیکتک در ساختن یک برج انکار شود و از میان تمام عناصری که باعث ساخت و کاربری یک برج می‌شوند تنها آرشیکتک را مجبور کنند که تعرفه‌ای ناچیز بگیرد و نقشی منفعل در برابر چشم حمورایی در چند هزار سال پیش است! جوامع وجود نداشته نباشد قطعاً برج‌هایی ساخته خواهد شد، ولی نمی‌دانم چه کسی جرئت عبور از کنار آنها را خواهد داشت؟ سکونت بماند. ثانیاً در کار سلامت تنها بخشی که سوگند خورده‌اند اصول سلامت را رعایت کنند و در جهت منافع بیماران فعالیت کنند پزشکان هستند. سوگندی که انضباط چندهزارساله تمام تشک‌لها و مؤسسات پزشکی را پشت سر خود دارد. سازمان نظام پزشکی ضمن وظایف دیگری که در این شرایط دشوار بر عهده دارد باید مراقب رشد و توسعه مؤسسات درمانی‌ای باشد که ممکن است چارچوب کاری سوگندخوردگان

### پیشخوان



روستا، کوشش و لهجه حال حاضر و همچنین لغات فراموش‌شده، معرفی چهره‌های ماندگار، استادان، هنرمندان، ادبا، رزمندگان، شهدا و پزشکان یرداخته شده و معرفی شغل‌های اهالی روستا و اشاره به آیین و سنت مردم روستا هم بخشی از کتاب را دربر می‌گیرد. چگونگی آموزش، نحوه اداره مدارس، نحوه برگزاری آیین‌های نوروزی، پوشش و لباس، جشن‌ها، غذاهای سنتی و محلی و افراد سرشناس آن از بخش‌های دیگر این کتاب است. در ضمن علاوه بر بخش‌های گمنته‌شده، این کتاب شامل عکس‌های زیبایی از طبیعت و آثار به‌جامانده از گذشته، لوازم زندگی و کسب‌وکار است. جمشید اثناغشری سردبیر روزنامه عصر اقتصاد است و سابقه روزنامه‌نگاری و انتشار بیش از ۱۴ عنوان کتاب در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و توسعه را در کارنامه خود دارد. این کتاب در تیراژ هزار نسخه توسط انتشارات آریاداد به چاپ رسیده است.

### آمارخوانی

## از ۸۵ میلیون نفر چند نفر توانستند سفر بروند؟

ایسنا گفت‌وگویی با رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرتی ایران درباره آمار سفرهای نوروزی انجام داده است که در آن این آمارها را مبالغه‌آمیز دانست و گفت: «از آن ۵۰ میلیون نفر شب اقامت که آمار دادند، چند نفر واقعاً گردشگر بودند و درآمدزایی داشتند؟ بیشتر مردم که جادر زدند و با اتومبیل شخصی سفر رفتند، ریفعی همچنین آمار سفرهای نوروزی را زیر سؤال برد و گفت: «درحالی‌که نوروز ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ سفر ممنوع بود و مسئولان مدام از مردم درخواست می‌کردند سفر نزنند و آمار آن دو سال تقریباً صفر بود، معلوم است آمار ۵۰ میلیون «نفر شب اقامت» که اعلام شده در مقایسه با آن دو سال رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد». او افزود: «اگر میانگین اقامت مسافران نوروزی را در نظر بگیریم، شاید از جمعیت ۸۵ میلیون نفر حدود ۹۰ درصدی سفرها رفته باشند. البته این عدد تخمینی است، بیشتر مردم که جادر زدند، با اتومبیل شخصی سفر رفتند و اتفاقاً به فضاهای عمومی آسیب زدند. سفرهای چادرخوابی اصلاً در شان مردم ما نیست». می‌توان این آمار را با آنچه در شش ماه ۱۴۰۰ رخ داده است مقایسه کرد. در سال قبل نیز با افزایش ۹۰ درصدی سفرها رویدیم. به گزارش ایسنا در ۲۲ فروردین سال قبل، وزیر راه و شهرسازی درباره سفرهای نوروزی، اظهار کرد: «امسال سفرهای نوروزی نسبت به شرایط عادی کشور مانند سال ۹۷، کاهش داشته، اما سفرها نسبت به نوروز ۹۸، میزان ۱۹ درصد افزایش داشت و نسبت به نوروز ۹۹ که همه جا قفل بود و تردد نبود، حدود ۹۰ درصد افزایش داشت». به گفته اسلامی حدود ۴۰۵ میلیون نفر امسال با وسیله نقلیه عمومی (اتوبوس، سواری و مینی‌بوس) سفر کردند، این تعداد با نفر صندلی است، نه شماره ملی و ممکن است یک نفر رفت‌وبرگشت داشته باشد که در این صورت تعداد نصف می‌شود. او افزوده بود: «علاوه‌براین حدود یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار نفر با هواپیما و ۸۰۰ هزار نفر با قطار سفر کردند و حدود سه میلیون نفر با سواری شخصی جابه‌جا شده‌اند.»



● مراسم جز:خوانی قرآن کریم در گذر چهارباغ عباسی اصفهان. عکس: حمیدرضا نیکومرام،فارس

### زمین‌سبز

## گل‌فشان‌های مکران زلزله‌های ناحیه فرورانش



**مهدی زارع**

در روز ۱۵ فروردین ۱۴۰۱ ویدئوهایی از گل‌فشان فعال‌شده در ساحل دریای مکران در جنوب استان سیستان و بلوچستان منتشر شد. فعالیت گل‌فشان دریایی در کف دریای مکران معمولاً با زلزله‌های ناحیه فرورانش ساحل مکران مرتبط است. گل‌فشان‌های منطقه مکران با افزایش فعالیت گسل ساحلی مکران در برخی مناطق مرتبط هستند. در ۲۷ فروردین ۱۳۹۲ زمین‌لرزه گشت سراوان با بزرگای ۷.۸ در ساعت ۱۵:۱۴ بعدازظهر به وقت محلی بزرگ‌ترین زلزله ثبت‌شده در ایران در ۶۷ سال ماقبل آن (از زلزله ۱۳۲۴ مکران در همان منطقه) بود و در چندین کشور احساس شد و ساختمان‌ها را از کویت در غرب خلیج فارس تا دهلی نو پایتخت هند تکان داد. ساکنان کراچی پاکستان را وحشت‌زده به خیابان‌ها فراری داد و باعث ایجاد لرزش در کشورهای حاشیه خلیج فارس شد. سازوکار آن زلزله نشان داد که به صورت کششی روی گسل فرورانش مکران و در ۴۰۰ کیلومتری شمال ساحل مکران رخ داده است. شش ماه بعد در ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۲ در یک زمین‌لرزه کم‌عمق در آوران پاکستان با بزرگای ۷.۷ حداقل ۳۰۰ نفر جان باختند و هزاران خانه که بیشتر آنها خشت بودند در استان بلوچستان فرو ریخت. این زمین‌لرزه تا مسقط (عمان) و دهلی نو (هند) نیز احساس شد. در فاصله تقریباً ۴۰۰ کیلومتری، جزیره جدیدی در چندصد متری گوادر ظاهر شد! جزیره جدید که ۱۸ متر ارتفاع، ۳۰ متر عرض و ۷۶ متر طول دارد «زلزله‌جزیره» نام دارد و پس از مدتی در دریا فرو رفت. «زلزله‌جزیره» یک گل‌فشان ناشی از رخداد زمین‌لرزه



بود. شاهدان همچنین حباب‌های آب حاوی گاز قابل اشتعال و ماهی‌مرده را گزارش دادند. در آنتشفشان‌های کلی سابقاً مطالعه‌شده مکران، منشأ باکتریایی گاز (عمدتاً متان) جانوران روزنه‌دار مربوطه‌های نانوفلورهای آهنکی نشان داده است که سطح منبع گل در عمق زیرسطحی ۳.۲ کیلومتری است. دبی گل تا ۱.۴ مترمکعب در ساعت و نرخ تخلیه گاز تا یک مترمکعب در ثانیه بوده است. گاه خروج گل نرم از کف دریا در عمق آب به تشکیل جزایر کُلی می‌انجامد که بعضاً در عرض چند ماه پس از ایجاد با برخورد امواج دریا از بین می‌روند. گسل فرورانش مکران به دو بخش مجزا تقسیم می‌شود. پراکندگی عمق زمین‌لرزه‌ها، به‌ویژه رویدادهای دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که صفحه فرورانش در غرب مکران شیب بیشتری نسبت به شرق مکران دارد. زلزله‌گوادور ۱۹۴۵ (بزرگای ۸.۱)، در نزدیکی تلاقی بخش شرقی و غربی فرورانش مکران رخ داد. زمین‌لرزه مهم دیگر در ناحیه مرکزی زلزله ۱۸ ژانویه ۲۰۱۱ دالندین پاکستان با بزرگای ۷.۰ بود. این زلزله‌ها در ژرفای کم رخ داده‌اند و شواهدی از محل تلاقی پوسته‌های اقیانوسی و قاره‌ای در گسل‌های معکوس کم‌زاویه هستند. سؤال مهم آن است که ارتباط زلزله با گل‌فشان «زلزله‌جزیره» چه بوده است. چنین گل‌فشان‌هایی می‌توانند توسط زلزله ایجاد شوند. گل‌فشان‌های مشابهی در زمین‌لرزه‌های پاکستان در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۱۰ مشاهده شده است. زلزله پاکستان با بزرگای ۸.۱ در منطقه فرورانش مکران باعث سونامی شد و همچنین جزایر کُلی جدیدی ایجاد کرد. جزیره‌هایی در حدود ۲۵۰کیلومتری غرب کراچی در نتیجه زلزله ۱۹۴۵ ظاهر شدند. جزایر در ژانویه ۱۹۴۶ به صورت چهار جزیره جدید در مقابل سواحل گزارش شده است. این جزایر از خاک رس خاکستری مایل به آبی کرنگ‌مک و همچنین بلوک‌های گل‌سنگی خاکستری، پوشیده از ارکانیسم‌های دریایی تشکیل شده بودند. گل‌فشان و لرزه‌خیزی ممکن است یک اثر محیط‌زیستی محیطی مرتبط با زلزله نیز تلقی شود.